

سه‌شنبه • ۸ اردیبهشت ۱۳۹۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۸۷ • ۹

روزنامه		
معماری		
سیدمحمد غرضی: واگذاری مخابرات حرام و غیرقانونی بود	صفحه ۱۰	
مسابقات معماری سامان می‌یابد؟	صفحه ۱۲	
یادی از هنر در گیلان	صفحه ۱۲	

کارنامه

ارزیابی شتاب زده یک کارنامه ۲ساله

کارنامه دوساله دولت در حوزه معماری، شاید چندان قابل‌بررسی به‌نظر نباید، چراکه طولانی‌بودن پروسه خلق اثر در این وادی، بررسی عملکرد معمارانه دستگاه اجرایی را ناپخته و شتاب‌زده جلوه می‌دهد.
باین همه، آنچه در این محدوده دوساله قابل رویت بوده، تلاش برای بازگشت به اصولی است که لااقل در هشت‌سال اخیر، کمتر به آن توجه شده و البته دراین‌میان فشارهای اقتصادی هم بر اجرای پروژه‌های کلان ساخت‌وساز که قابلیت ارزیابی نگاه دولت به هنر معماری را فراهم می‌کند، تأثیر بیشتری داشته است.
اصلی‌ترین جنبه ساخت‌وساز دولت در یک‌دهه اخیر که مسکن مهر لقب گرفته، در مدت حضور دولت جدید در ساختمان پاستور، متوقف شده و این موضوع نشان می‌دهد نقش دولت در بخش اجرایی تولید آثار معماری کمتر از گذشته شده است. این موضوع از یک جهت مثبت ارزیابی می‌شود و آن، پایان‌یافتن ساخت‌وسازهای مسکن مهر است که بی‌توجه به اصول اولیه معماری و تنها در جهت ساخت سرپناه ارزان ایجاد می‌شدند.
از درجه دیگری نیز نگاه به توقف ساخت‌وساز ارزان قابل‌تقدیر است و آن کاهش حضور تفکر مهندسی و عمران به جای هنر معماری است. خروج احمدی‌نژاد از ساختمان پاستور، یعنی پایان تسلط قاطع معماری‌ار بر ساخت‌وساز کشور که به «علم‌وصنعتی»، معروف شده بودند. محمود احمدی‌نژاد که خود از اساتید دانشگاه علم‌وصنعت بود، با حضور در دستگاه اجرایی کشور، زمینه ورود معمارانی از این سبک‌وسپاق را به عرصه کلان معماری کشور فراهم کرد و از آنجایی که این معماران به معماری سازه و گرایش عمرانی ساخت‌وساز بیش از توجهات معمارانه و آرتیستیک در خلق اثر شهره هستند، گفتمان غالب معماری در طول دهه اخیر بیش از هرچیز به سمت فن مهندسی رفت تا توجهات هنرمندانه.
اما این گفتمان، تنها محدود به فارغ‌التحصیلان معماری این دانشگاه نبود و از سوی دیگر، هر معمار بیرون‌آمده از این دانشگاه را هم نمی‌توان باین‌عنوان موردخطاب قرار داد، اما به‌مرور و با مطرح‌شدن پروژه‌های عمومی و بزرگی چون پردیس‌های سینمایی تهران، پروژه‌های شهری مشهد و اصفهان و… معلوم شد گفتمان فن مهندسی در حال لایحه‌کردن بر ساحت هنرمندانه معماری است و کار تا جایی پیش رفت که حتی برخی از معماران این جبهه نسبت به واگذاری طراحی و معماری فرهنگستان هنر به معماری که اهداف هنرمندانه را بیش از ابعاد عمرانی هنر می‌گرفت، اعتراض کردند.
باین همه، تغییر و چرخش دولت یازدهم در حوزه‌های فرهنگی، تنها مربوط به عرصه ساخت‌وساز معماری نیست، پیشینه معماری هم یکی دیگر از دغدغه‌های دولت روحانی بود که امروز بعد از پشت‌سرگذاشتن چالشی مقطعی به آرامشی نسبی رسیده است.واقعیت این است که حوزه میراث فرهنگی، پاشنه آشیل دولت پیشین شده بود و اکنون با روی کارآمدن سلطانی‌فر، در حال گذران



ماه غسل خود است، واکنش‌های دولتی نسبت به تخریب یادگارهای معماری کشور، جدی‌تر از دولت قبل شده و لااقل دیگر شاهد ردیای دولت در تخریب برخی از خانه‌های تاریخی مشهد و اصفهان و شیراز و تهران نیستیم.
این‌رو،ها، دولت یازدهم، نظارت گسترده‌تری بر شهرداری تهران و به‌تبع آن به شهرداری‌های بیشتر کلان‌شهرهای تاریخی کشور اعمال کرده تا از منظر فرهنگی‌تر به سرمایه خود نگاه کنند و خانه‌های تاریخی را به تیغ تخریب و نگاه‌های تحدید (۱) سپرند.
این موضوع باعث شده که شهرداران، امروز، بیش از گذشته به میراث فرهنگی شهرهای خود که بخشی از آن در آثار معماری تجلی پیدا کرده، توجه نشان دهند و حتی برنامه‌هایی برای حفظ و احیای آن داشته باشند که قطعاً به‌نفع کارنامه میراثی دولت و البته سرمایه‌های آینده معماری کشور تمام خواهد شد.
اما روحانی در مسیر خود با چندچالش جدی در حوزه میراث‌های ثبت ملی مواجه خواهد بود که نپرداختن به آن، بررسی زود هنگام کارنامه دولت او را در این حوزه، ناپخته‌تر از اینکه پیش‌روی شماس‌ت، خواهد کرد.
به‌زودی رشد زود هنگام قیمت مسکن در تور ساخت‌وساز می‌دمد و ورود معماران کم‌تجربه را به عرصه معماری کشور رقم خواهد زد.
این موضوعی است که اگر سازمان نظام مهندسی، برای آن سازوکاری نپندیشد، بازتولید معماری «بزازوفروشی»، نقطه مجهول کارنامه معماری دولت یازدهم خواهد بود.
از سوی دیگر، همین افزایش قیمت ملک، قطعاً به تولید شهرها و شهرک‌های اقماری دده می‌شود.
سازوکار دولتی که کمی تا قسمتی اصلاح‌طلبانه رفتار می‌کند، ایجاد نهادهای مدنی در حوزه معماری است تا جلو تک‌صدایی بایستند؛ هنوز دو، سه‌روزی از سوم اردیبهشت به‌عنوان روز معمار نگذشته که خبرها حکایت از ایجاد خانه معمار در خانه تاریخی وارطان دارد تا کفه ترازوی این ارزیابی به سمت مدیریت درست روحانی و وزیر راه‌وشهرسازی سنگینی کند!

سه‌شنبه • ۸ اردیبهشت ۱۳۹۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۸۷ • ۹

روزنامه		
معماری		
سیدمحمد غرضی: واگذاری مخابرات حرام و غیرقانونی بود	صفحه ۱۰	
مسابقات معماری سامان می‌یابد؟	صفحه ۱۲	
یادی از هنر در گیلان	صفحه ۱۲	

مرو

میرمیران به روایت تاریخ

سال ۱۳۲۳ در قزوین به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی را در همین شهر گذراند. بعد از آن، دوره متوسطه را در تهران و مازندران ادامه داد. در سال ۱۳۴۱ دیپلم گرفت و در همان سال، در رشته معماری دانشگاه تهران پذیرفته شد. در سال ۱۳۴۷ با اخذ رتبه اول در مقطع کارشناسی‌ا‌رشد رشته معماری دانشگاه تهران، فارغ‌التحصیل شد. موضوع پایان‌نامه‌اش زندگی بود.

مسئولیت‌های حرفه‌ای:

- مسئول کارگاه معماری واحد طراحی و شهرسازی شرکت ملی - سرپرست واحد طراحی شرکت خانه‌سازی ایران، از سال ۱۳۵۹ - سرپرست واحد طراحی اداره کل مسکن و شهرسازی استان اصفهان سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۶ - مدیرعامل و مدیر طراحی شرکت مهندسین مشاور نقش جهان پارس از سال ۱۳۶۷

مسئول‌ترین طرح‌های معماری:

سرکسولگری جمهوری‌اسلامی ایران در فرانکفورت/ سفارت جمهوری‌اسلامی‌ایران در بانکوک/ ساختمان مرکزی بانک توسعه صادرات ایران/ ساختمان استانداری تهران/ کتابخانه مرکزی شیراز/ موزه ملی آب ایران/ مرکز ورزشی رفسنجان/ کانون وکلای دادگستری مرکز/ مسجد القانم شهر جدید بهارستان اصفهان/ محله مسکونی شهر زرنـد نو در کرمان/ محله مسکونی ۱۲ شهر جدید پلوادشهر اصفهان

طرح‌های شهرسازی:

طرح جامع منطقه اصفهان/ طرح جامع و تقضیلی شهر اصفهان/ طرح جامع و تقضیلی شهر شیراز/ مجموعه شهری کلان‌شهر اصفهان

طرح‌های احیای مناطق تاریخی:

طرح احیای محور تاریخی شیراز/ طرح احیای مجموعه میدان کهنه مسجدجامع عتیق اصفهان/ طرح احیای مجموعه کریمخانی شیراز/ طرح ساماندهی مجموعه بهارستان

طرح‌های برگزیده:

طرح مجتمع ایلگلی تبریز، رتبه اول/ طرح فرهنگستان‌های جمهوری‌اسلامی‌ایران، رتبه اول/ طرح کتابخانه ملی ایران، رتبه دوم/ طرح ساختمان مرکزی وزارت نیرو، رتبه اول/ طرح کتابخانه ملی زاین، دیپلم افتخار/ طرح استانداری تهران، رتبه اول/ طرح موزه تاریخ کالیفرنیا، طرح برگزیده/ طرح ساماندهی مجموعه اطراف حرم مطهر امام‌زاده(ع)، رتبه اول/ طرح مجموعه مسکونی و خدماتی آتی ستر، رتبه دوم

تقدیر:

وی بارها مورد تقدیر و تشویق واقع شده که از آن جمله است:

معمار برگزیده سال ۱۳۷۹ در اولین دوره اعطای نشان معماری ایران، نشان پیرنیا/ لوح تقدیر جامعه مهندسان مشاور ایران برای شناسایی و معرفی معماری ایران در سال ۱۳۸۰/ برنده جایزه بزرگ معمار سال ۱۳۸۰ برای مجموعه ورزشی رفسنجان/ انتخاب‌شده به‌عنوان پیشگوست معماری توسط سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور، ۱۳۸۱ / کسب جایزه مهراز ۱۳۸۱/ برنده جایزه بزرگ معمار سال ۱۳۸۲ برای ساختمان کانون وکلای دادگستری مرکز و…



©.Negin Shafii

طرح: نغمه شفیعی

که هندی‌ها از نظر اسطوره‌ای از ساختار جهان داشتند. چون گمان می‌کردند جهان یک ساختار مندله‌ای دارد و همین ساختار مندله‌ای را در بناهای خود نشان می‌دهند. یعنی جهان‌بینی‌شان را به معماری انتقال داده و آن را پایه معماری خود قرار داده‌اند. بنابراین جغرافیا، اقلیم، مصالح، تکنیک، کارکرد، استفاده و… همه زمینه کار معماری هستند. کار معماری فراتر از اینها می‌رود و به همین علت است که به نظر من معماری زمانی رخ می‌دهد که در ساختمان‌سازی حتماً خلاقیتی رخ داده باشد و کاملاً می‌توان فهمید که در ساخت یک بنا خلاقیتی اتفاق افتاده یا نه. مثل عاشق شدن است. بدون اینکه نتوانیم توضیح دهیم، هر انسانی می‌تواند بفهمد که عاشق شده یا نه، خلاقیت هم همین‌طور است. هر معماری می‌تواند بفهمد که در کار خودش یا در اثری که دارد می‌بیند، خلاقیت اتفاق افتاده یا خیر. و به عقیده من اگر خلاقیتی رخ نداده باشد، اثر به درجه معماری نائل نشده است. بنابراین معماری از عوامل متنی و زمینه‌هایی مثل اقلیم و جغرافیا آغاز می‌شود و خلاقیت در آن رخ می‌دهد و در نهایت به یک اثر معماری ماندگار در تاریخ بشر بدل می‌شود. من معتقدم که جغرافیا و اقلیم روی خود تصورات و ذهنیات

من معمار هم اثر می‌گذارد و ما ذهنیات را از جای خاصی نمی‌گیریم. اگر ما در معماری هخامنشی، به معماری اینقدر شفاف و ترانسپرنس فکر کرده‌ایم، شاید ناشی از توجه به این آسمان آبی باشد؛ شاید ناشی از آب و هوای اقبانی سرزمین ما باشد و اینها اثر گذاشته‌اند در روح ما و همه ما. معماری را خیلی مثبت می‌بینیم. مثلاً مسجدجامع اصفهان را مقایسه کنیم با کلیسای نتردام پاریس، در مسجدجامع اصفهان شاهد معماری شاد، ساده و در اختیار مردم هستیم و در معماری کلیسای نتردام شاهد چیزی بسیار دور از مردم هستیم و اینها گویای این امر است که در تمام دنیا جغرافیا اثر می‌گذارد در جهان‌بینی و جهان‌بینی اثر می‌گذارد در معماری و به‌نوعی جغرافیا هم مستقیم در معماری اثر می‌گذارد. اما در نهایت آنچه که برجسته‌ترین تأثیر را در معماری می‌گذارد، من فکر می‌کنم تصورات اندیشه‌ای ما هستند و اندیشه‌های ما هستند که معماری را می‌سازند.

کاخ عالی‌قاپو زمانی کاخ صفوی بوده است. الان موزه است و زمانی دفتر کار ما در آنجا و دفتر کار خیلی خوبی هم بود. ۴۰ سال است که من کار معماری می‌کنم و یکی از بهترین دفاتری که داشتم، دفتری بود که در خود کاخ عالی‌قاپو داشتم و یک سال هم آنجا کار کردم. درحقیقت، علت، این نیست که کاخ عالی‌قاپو برای دفتر کار طراحی شده، بلکه به‌دلیل قدرت و غنای فضایی خود ساختمان است که خود را فراتر از کارکرد تعریف می‌کند و خودش را آماده پذیرش هر نوع کارکردی نشان خواهد داد.

❧ **استاد، امیدوارم خسته نشده باشید، روی ویلچر هم نشست‌اید و حتماً جای راحت‌تری برای نشستن در محل کارتان دارید…**
نه، من در محل کارم هم روی همین ویلچر می‌نشیم و درواقع برای من راحت‌تر است.
❧ **خب، اجازه دهید درباره میخشی که به‌صورت کلی به آن به عنوان اندیشه‌ها، اشاره کردید صحبت کنم و تجلی باورها و اعتقادات در معماری را برسم. باورها و اعتقادات مردم در تاریخ معماری چگونه روی معماری تأثیر گذاشته است؟ می‌دانم گاهی می‌شود از طریق معماری مردمی را شناخت، به تمدنی پی برد و… این اعتقادات کجای معماری می‌شینند و چگونه وارد معماری می‌شوند.**

فکر می‌کنم باورها و اعتقادات مردم هر‌دوره جای بزرگی در معماری آن دوره دارد. این اهمیت لافاق برای من تا حدی است که یکی از مبانی شروع کار من توجه به همین مطلب است. باورها و اعتقادات فقط مربوط به معماری گذشته ما نیست، معمارانی هستند که امروز هم باز از همین‌جا شروع می‌کنند. البته همیشه گفتم‌ام از ادبیات، شعر و مضمون بالاتر می‌روند و به خود معماری ناب و خالص می‌رسند، مانند سینما یا تئاتر که با پایه‌های ادبی و فکری شروع می‌شود، ولی درنهایت، سینمابودن یا تئاتر‌بودن آن است که اهمیت دارد، البته این به توانایی معمار هم ربط دارد؛ اینکه معمار می‌تواند به این مرحله برسد یا در حد همان معماری یا ادبیات باقی می‌ماند، یعنی معماری ادبیات تجسم یافته می‌شود که سطح پائینی از معماری است و دیگر خود معماری نخواهد بود. ازاین‌رو باورها و اعتقادات ریشه عمیقی در معماری دارند، مثلاً الان به جای‌پای اعتقادات، باورها و الگوها در معماری و به عنوان نمونه در معماری مساجد دوران سلجوقی یا مساجد دوران صفوی نگاه کنیم، مساجدی که تا همین اواخر دوران قاجار ساخته شده و تا امروز هم ادامه دارد…

ادامه در صفحه ۱۲

به‌طورکلی شما هیچ بنایی را نمی‌توانید ببینید که فارغ از اندیشه (اندیشه‌های کارکردی بلکه اندیشه‌های ذهنی- فکری) باشد که در ایجاد این بنا حاکم بوده است و بدون آن بتوانید آن را تعریف کنید.

❧ **جغرافیا و اقلیم برای تحقق آنچه تابه‌حال گفتید، مثل فرم، فضا، هنر، کار روانی، کار فیزیکی، شکل معماری و… چه چیزهایی را تحمیل می‌کند؟ یا برعکس آغوشش را باز می‌کند و داده‌هایی ارائه می‌کند؟**

من تصور می‌کنم جغرافیا و اقلیم به‌عنوان یک عامل فرعی و متنی حضور دارد. هر معماری زمان‌مند و مکان‌مند است و فکر می‌کنم معماری‌ای به اوج می‌رسد که خودش را از قید زمان و مکان برهاند. می‌توانم مثال‌هایی بزنم از معماری گذشته یا معماری معاصر ایران و جهان که وقتی در درون این معماری قرار می‌گیریم، زمان و مکان خاصی را به ذهن نمی‌آورد. یعنی فراتر از زمان و مکان است. یعنی اگر در کارهای گذشته خودمان نگاه کنیم، مثلاً مسجد امام اصفهان، در این بنا فضا و فرم به جایی رسیده‌اند که زمان و مکان را تا حد زیادی تحت‌تأثیر قرار داده‌اند و به بی‌زمانی و بی‌مکانی رسیده‌اند. به عقیده من این مرتبه عالی کار معماری است. با مثلاً در آثار معماری امروز جهان، یکی از برجسته‌ترین بناها از این منظر بنای نشنال گالری برلین است که توسط میس وندرو طراحی شده و به شکلی است که وقتی در آن قرار داریم نمی‌دانیم در ساختمانی هستیم که مربوط به امروز است یا هزار سال قبل یا می‌تواند متعلق به هزار سال بعد نیز باشد. بنابراین به عقیده من اقلیم و جغرافیا، فقط به‌عنوان یک متن می‌توان حضور پیدا کند. جغرافیا، اقلیم، مصالح و تمام عوامل و ابزاری که به‌طور فیزیکی در بنا اثر می‌کنند، دست‌انبرهای معماری هستند و معمار با کمک آنها کار می‌کند ولی به‌طورقطع با خلاقیت فراتر از اینها حرکت خواهد کرد. نمی‌توانیم بگوییم معماری تنها به مسائل اقلیمی و جغرافیایی و نیازهای

اندیشه‌ها هستند که معماری را شکل داده‌اند. دیدکناستراکشن یا تمام سبک‌های معماری جدید هم، بنیادهای فلسفی دارد؛ یا از ژاک دریدا گرفته شده یا از دیگر اندیشه‌های فلسفه غرب. اینجاست که می‌فهمیم اگر کورکورانه یک معماری را دنبال کنیم، چقدر می‌توانیم اشتباه بزرگی کرده باشیم. معماری هخامنشی نمی‌تواند معماری مصر را که مقدم بر آن است، دنبال کند. از آن تأثیر پذیرفته، ولی روح معماری خودش را عوض کرده

عملکردی پاسخ می‌دهد. به این موارد هم پاسخ می‌دهد، اما می‌تواند از اینها فراتر هم برود. معماری برخلاف بسیاری از هنرها مربوط به یک دوره معینی نیست. مثلاً پنج هزار سال از ساختمان هرم هوبس گذشته ولی این ساختمان هنوز به‌نوعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. آن را درک می‌کنیم. می‌بینیم. پس برای زمان خودش ساخته نشده و خوب که نگاه کنید هرم به این بزرگی برای اینکه یک جسم کوچک یک متر و ۷۵ سانتی را در خود جای بدهد به نظر بی‌معنا می‌آید. این عملکرد را می‌شود از حجم خیلی کوچک‌تری توقع داشت. پس آنچه که معمار خواسته در این معماری خودش را نشان بدهد، آن عظمت زمینی است که در به‌وجودآوردن معماری و در خواسته سفارش‌دهنده، حاکم بوده است. یا مثلاً تمام آثار معماری کشور مصر معماری زمینی و خاکی است. معمار خواسته که ماده را در اولویت قرار دهد. مثلاً ستون‌هایی در معبد لوکسور وجود دارد که در فاصله‌های خیلی نزدیک به هم واقع شده‌اند. این ستون‌ها سنگی هستند و قطره‌های عظیم دارند. در حقیقت احتیاج به چنین چیزی نبوده است. در معماری‌های هم‌زمان یا هم‌عصر با این بنا، این مسئله وجود نداشته است. مثلاً اگر از این بنا حرکت کنیم و بباییم به سمت معماری هخامنشی، می‌بینیم که قطر ستون‌ها بسیار باریک‌تر و فاصله ستون‌ها زیادتر می‌شود. معلوم می‌شود که معماری هخامنشی بیشتر توجه خودش را به فضا و روح معماری داشته، در حالی که معمار معبد لوکسور توجه خودش را به ماده معماری معطوف کرده است. در همین عصر به معماری بزرگ دیگری نگاه می‌کنیم و می‌بینیم مثلاً معماری یونانی بیشتر ساخته شده برای اینکه تماشا بشود؛ برای اینکه عرضه بشود و خودش را به نمایش بگذارد. از این‌رو در یک عصر می‌توان معماری‌ای را دید که می‌خواهد جنبه مادی خود را نشان بدهد، معماری دیگری بر فضا و تأثیرات روحی و یکی دیگر جنبه تماشایی‌بودن و عرضه خود را تأکید می‌کند. مثلاً معماری هندی بیشتر براساس فرم مندله به وجود آمده است. اکثر آثار بزرگ و مهم هندی و حتی معابدشان یا دیگر عناصر معماری هندی برمبنای شکل مندله‌ای ایجاد شده‌اند و مندله‌ها تصوری بوده

بازنشر فایل تصویری گفت‌وگوی «سیدهادی میرمیران» به مناسبت سالمرگ او

اندیشه‌های ما معماری را می‌سازند

شرق: شاید تابه‌حال یکی، دو رسانه بخش‌هایی از مهم‌ترین مصاحبه مهندس هادی میرمیران را منتشر کرده باشند؛ مصاحبه‌ای مفصل با داریوش ارجمند در برنامه پرخاطره «طلوع ماه» که نزدیک به ۱۰ سال پیش از تلویزیون پخش می‌شد و در تنها برنامه‌ای که به معماری اختصاص داده بود، تصمیم گرفت، طراح، معمار و مدیرعامل شرکت نقش جهان پارس را روبه‌روی بینندگان قرار دهد تا با تعریف نسبتاً تازه‌ای از معماری عصر حاضر آشنا شوند. نقل است که مهندس میرمیران خود به همکاران و دوستانش گفته بود که آنچه می‌خواسته درباره معماری بگوید، در این برنامه گفته و از این‌رو، گفت‌وگویی که امروز متن‌کامل آن را می‌خوانید، می‌تواند تجلی اندیشه‌های معماری باشد که تقریباً او را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چهره‌های معماری دهه‌های اخیر می‌شناسند و معتقدند که فرزند زمان خودش بوده است. میرمیران فعالیت‌های زیادی در حوزه معماری و شهرسازی داشته که از معروف‌ترین‌هایش، طراحی و ساخت سرکسولگری ایران در فرانکفورت و طرح احیای محور تاریخی شیراز بوده و به‌همین‌دلیل می‌توان گفت که بخشی از اندیشه‌های او، بستر زندگی امروز ما در شهرهایی چون شیراز، اصفهان و… شده است. این مصاحبه در همسایگی روزهای آخر فروردین‌ماه که تاریخ فوت وی است در «شرق» و به همت «آذر مهاجر» منتشر می‌شود؛ روزهایی که از سوی دیگر در همسایگی روز معمار نیز هست.

❧ **استاد میرمیران شما همه عمرتان را در ساخت‌وساز گذرانید. چه شغل شرافتمندانه‌ای! سازندگی خیلی کار بزرگی است. همچنان که ویرانگری کار زشتی است. اولین سؤال من به همین تخصص شما مربوط است که شاید ساد هم به نظر برسد. معماری چیست آقای میرمیران؟**

اگر بتوانم به‌طور خلاصه خدمتان عرض کنم، به نظر من معماری هنر سازماندهی فضاست. اگر بخواهیم جوهره اصلی معماری را تعریف کنیم، به‌طورقطع فضا جوهره اصلی معماری است و کار معماری بیشتر متوجه سازماندهی این جوهره است.

❧ **این معماری چطور به ذهن انسان آمده؟ چه چیزی باعث شده که فکر کند باید فضا را سازمان بدهد؟**

به عقیده من معماری به دو نوع توسط انسان درک می‌شود. فرم دیده و فضا درک می‌شود. درواقع ترکیب فرم و فضاست که معماری را در ذهن انسان باقی می‌گذارد. به نظر من کار معمار امروز فرم جدید و سازماندهی یک فضای نو خواهد بود و این دو عامل هم به عقیده من به‌هیچ‌وجه از هم جدا نیستند.

❧ **می‌رسیم به اینکه معماری یک جنبه کارکردی دارد و یک جنبه هنری. حالا راجع‌به این دو وجهش برای ما صحبت کنید.**

به نظر من، نظر شما درست است و می‌توان این دو جنبه را در معماری دید. یا بهتر بگوییم یک‌بار می‌شود از زاویه ساختمان‌سازی به معماری نگاه کرد و یک‌بار هم از زاویه معماری. زمانی ساختمان‌سازی است که هنر و خلاقیتی در آن اتفاق نیفتاده باشد و زمانی که در امر ساختمان‌سازی خلاقیتی رخ می‌دهد، ما آن اثر را واجد تعریف معماری می‌دانیم. بنابراین معماری فقط به کارکرد یا عملکرد پاسخ نمی‌دهد، بلکه می‌کوشد تا فضا و فرم جدیدی هم خلق کند.

❧ **برگردیم به ریشه تاریخ معماری و اینکه به‌هرحال نیازی در انسان او را مجبور کرد به این ساخت‌وسازها و فرم‌دادن به فضای زندگی‌اش. آن نیازها چه بود و انسان برای اینکه این کار را انجام دهد، چه الگوهایی داشت؟ شما که از خلاقیت صحبت می‌کنید، می‌خواهم بدانم انسان از ابتدا خلاقیت را چگونه دید؟**

به نظر من معماری اول با احتیاجات عادی و خیلی ساده شروع می‌شود ولی به‌تدریج احتیاجات روانی هم به‌همراه احتیاجات فیزیکی بشر در خود معماری مطرح می‌شود. وقتی تمام آثار بزرگ معماری را مرور می‌کنیم، می‌بینیم که فقط به احتیاجات فیزیکی یا عملکردی بشر پاسخ نداده‌اند بلکه به احتیاجات روانی هم پاسخ داده‌اند و تمامی آثار بزرگ و بزرگ این جنبه روانی با روح معماری‌اند. همیشه معماری با مسائل فیزیکی آغاز می‌شود ولی به‌تدریج به مسائل هنری و روانی منتهی می‌شود. مثال ساده‌ای می‌زنم: اولین‌بار که کنبدها به وجود آمدند، برای این بوده که می‌خواستند فضاهای بزرگ‌تری را با دهانه‌های بزرگ‌تر پوشش دهند. ولی حالا و اصلاً از همان زمان‌ها یک گنبد، برای ما معنای یک پوشش بزرگ را نداشته و بسیاری از معانی دیگری را به‌دنبال خود دارد. مثل تجلی آسمان یا مسائلی از این قبیل یا تجلی نمایی روحیات در خود معماری که دیگر فراتر و فارغ از عمل فیزیکی پوشش یک فضای بزرگ، معنا دارد.

❧ فرم و فضا در معماری چه هستند؟

اصولاً ما معماری را با فرم می‌شناسیم و با فضا درک می‌کنیم. این تعریف خیلی خوبی خواهد بود. همیشه معماری با فرم در خاطر ما می‌ماند. بنابراین تمام بناهایی که بزرگ هستند می‌توانند فرم خود را در خاطر انسان‌هایی که این بنا را می‌بینند یا در آن زندگی می‌کنند، باقی بگذارند. به‌همین‌علت هم هست که تمام بناهای بزرگ را می‌بینیم که واجد یک فرم تازه و برجسته هستند. یعنی چیزی در فرم آفریده می‌شود. یک اثر بزرگ معماری، اثری است که بتواند فرم جدیدی را به وجود بیاورد. فضا درک می‌شود، فضا چیزی فراتر از فرم است. به نظر من در معماری، جامع‌تر از فرم هم هست ولی ما نمی‌توانیم آن را در معماری ببینیم. ما فضا را با تمام وجود و البته با تمام احساس و روانمان درک می‌کنیم. بنابراین یک عامل چندجنبه‌ای، پیچیده و گسترده‌ای است. ولی می‌توان همیشه آن را در خاطر داشت. حتی بوی فضا، رنگ فضا، نور فضا و… در خود فضا اهمیت پیدا می‌کند و معماری به این ترتیب توسط انسان درک و به خاطر آورده می‌شود. هیچ اثر بزرگی را در تاریخ معماری جهان، نه در ایران بلکه در هیچ کجا، نه در شرق و غرب و… سراغ ندارم که بر پایه یک اندیشه و یک فکر معینی به وجود نیامده باشد. این به این معنا نیست که معماری یک اندیشه یا مدنی را مجسم می‌کند. بلکه معماری خود معماری است و همیشه فراتر از ادبیات و اندیشه‌هاست. فکر می‌کنم پایه و به‌وجودآورنده تمام آثار بزرگ معماری یک اندیشه است. منتها این اندیشه‌ها بسیار متنوع هستند. این اندیشه‌ها می‌توانند اسطوره‌ها باشند، می‌توانند فلسفه‌ها باشند، جهان‌بینی‌ها و مضامین فکری باشند. یا حتی شعر و ادبیات. می‌تواند تمام اعتقادات یا رسوم باشد و وقتی که نگاه می‌کنیم می‌بینیم که معماری تمامی اینها را دارد. در هرکدام از اینها یک جنبه‌ای از اندیشه برجسته‌تر و مهم‌تر خواهد بود. ولی